

گشتی در منابع تاریخی برای پیدا کردن ردپاهای ماجرای خواستگاری آسنا از زلیخا و ازدواج یوزار سیف با زلیخا

افسانه یا واقعیت؟

احسان رضایی

این شب‌ها، داغ‌ترین موضوع برای بینندگان وفادار تلویزیون، موضوع ازدواج یوزار سیف و زلیخا است که آن‌طور که سایت خبری سیمافیلم خبر داده، حداکثر تا آخر این ماه تکلیفش معلوم خواهد شد. حالا همه می‌خواهند بدانند که ماجرا چه خواهد شد. آیا واقعا یوزار سیف با زلیخا ازدواج می‌کند؟ آن وقت زن اولش آسنا را چه کار می‌کند؟ ... ماجرای این سؤال‌ها وقتی داغ‌تر می‌شود که بدانیم موضوع ازدواج یوسف و زلیخا اصلا در قرآن نیامده است.

در بین ۸۰ منبعی که در پایان سریال «یوسف پیامبر»^(۱) به عنوان منابع تحقیق آمده، بدون شک مهم‌ترین منابع کتاب‌های مقدس ادیان هستند. در قرآن، داستان حضرت یوسف^(ع) در سوره‌ای به همین نام آمده و آن بخشی از روایت سریال که طبق داستان قرآن است همان حدیث به چاه‌انداخته‌شدن یوسف توسط برادران تا عزیز مصر شدن یوسف است. بعد از این قسمت، فقط داستان آمدن برادران به مصر در قرآن آمده و خبری از زلیخا یا ازدواج دیگری نیست. در روایت قرآن، از آیه ۳۵ سوره یوسف که مجلس دست‌بردیدن زنان مصری تمام می‌شود، دیگر از زلیخا خبری نیست. در روایت «سفر پیدایش از عهد عتیق» با آنکه داستان جزئیات بسیار بیشتری دارد و ما تا اسم نوه‌های یعقوب و یوسف را هم می‌خوانیم و سرگذشت یوسف تا آخر عمر و ۱۱۰ سالگی بازگو شده، یوسف فقط با آسنا ازدواج می‌کند و باز هم از زلیخا بعد از زندان افتادن یوسف خبری نیست. جالب اینکه در این ۲ منبع اصلی، زن عزیز مصر یازن پوتیفار هیچ اسمی ندارد.

منابع تاریخی: زلیخا وارد می‌شود

دسته دیگری از منابع سریال، کتاب‌های تاریخی قدیمی هستند که باز در میان آنها هم عده‌ای مثل «تاریخ یعقوبی» یا «مروج الذهب» (که اولین و دومین تاریخ‌نگاری‌های مسلمان‌ها هستند) اشاره‌ای به زلیخا و ازدواج یوسف با او ندارند. تاریخ طبری و تاریخ ابن اثیر، قدیمی‌ترین منابعی هستند که داستان این ازدواج را آورده‌اند. طبری (در قرن ۳ هجری) نوشته که بعد از اینکه یوسف از زندان درآمد و به قدرت رسید، عزیز قبلی مصر هم مرد و پادشاه مصر همسر او را به ازدواج یوسف درآورد. در این روایت اسم همه شخصیت‌ها اسامی عربی است؛ مثلا فرعون مصر، ریان بن ولید نام دارد و به جای زلیخا، «اعیل» آمده. این روایت رانیم‌قرن بعد ابن اثیر عینا نقل کرده و تنها در قرن ۶ هجری است که زلیخا در «قصص الانبیاء» به ازدواج یوسف درمی‌آید. در این روایت‌های تاریخی هم یوسف زن دیگری ندارد.

منابع حدیثی: زلیخا پیر می‌شود

دسته سوم منابع سریال، منابع حدیثی هستند که بیشترشان بعد از آن تاریخ‌نگاری‌های اولیه جمع‌آوری شده‌اند. از بین این منابع، دسته‌ای مثل «تهج البلاغه» اصلا بحثی در مورد ازدواج یوسف ندارند. قدیمی‌ترین منبع حدیثی «منتخب الانوار المصیبه» (نوشته شده در قرن ۸) است که می‌گوید زلیخا بعد از عزیز مصر پیر و شکسته شده و از شدت فقر و گرسنگی سراغ یوسف می‌آید و یوسف دستور کمک به او می‌دهد و بعد هم با او ازدواج می‌کند. علت این ازدواج را شیخ حر عاملی در «علل الشرایع» و علامه مجلسی در «بحار الانوار» (هر دو متعلق به قرن ۱۰) این‌طور روایت کرده‌اند که زلیخا وقتی پیش یوسف آمد، خواند که «منزه است خدایی که پادشاهان را به خاطر گناهانشان ذلیل می‌کند و بردگان را به خاطر اطاعتشان پادشاه می‌سازد» یوسف فهمید که او به راه راست درآمده، از او پرسید که تو چرا این قدر مرادوست داری؟ زلیخا

گفت: به خاطر زیبایی رویت. یوسف گفت: در آخر زمان پیامبری می‌آید که از من زیباتر و نیکوخلق‌تر است. زلیخا گفت: راست می‌گویی چون اسم این پیامبر را که گفتی در قلبم محبتی احساس کردم. خداوند هم به خاطر دوستی پیامبر به یوسف دستور داد با زلیخا ازدواج کند. در این روایت هم یوسف زن دیگری ندارد.

منابع تفسیری: همان یک حدیث

دسته بعدی از منابع سریال، تفسیرهای قرآن هستند. معمولا تفسیرهای قدیمی مثل تفسیر طبری و سوره‌آبادی، داستان تاریخ طبری را تکرار کرده‌اند. تفسیرهای جدیدتری مثل «تفسیر مجمع البیان» و «تفسیر نور الثقلین» همان حدیث بحار الانوار را آورده‌اند. اما تفسیرهای جدیدتر مثل «تفسیر المیزان» علامه طباطبایی^(۲) و «تفسیر نمونه» آیت‌الله مکارم شیرازی این حدیث را نقل نکرده‌اند.

منابع ادبی: سریالی‌ترین نمونه‌ها

در ته فهرست منابع سریال «یوسف پیامبر»^(۱)، «ابیاتی از ابوسعید ابوالخیر، فردوسی، پروین اعتصامی و جامی» ذکر شده است. گذشته از اینکه ابوالخیر و خانم اعتصامی اصلا شعری درباره یوسف پیامبر^(ع) ندارند و نادرستی انتساب منظومه‌ای با عنوان «یوسف و زلیخا» به فردوسی امروز اثبات شده است، اما نباید از این نکته بگذریم که «یوسف و زلیخا»های ادبیات شبیه‌ترین متون کهن به ماجرای هستند که در سریال اتفاق می‌افتد. در «یوسف و زلیخا» جامی (سروده شده در قرن ۹) داستان اصلا داستان همین آشنایی و عاشقی و دلدادگی زلیخا به یوسف است و در آن از سفر برادران به مصر هیچ نشانی نیست. در روایت جامی، بعد از به قدرت رسیدن یوسف، عزیز مصر می‌میرد، زلیخا، تنها و پیر می‌شود، چندبار سر راه یوسف می‌رود و او را نمی‌تواند ببیند، به خانه می‌رود و بت‌هایش را می‌شکند و این طوری خدا به او التفات می‌کند تا اینکه روزی دربان کاخ (و نه زن اول یوسف که در این روایت او زن دیگری ندارد)، زلیخا را پیش یوسف می‌برد و اول یوسف او را نمی‌شناسد و خلاصه همان ماجراهای فیلم، غیر از جامی، شاعران دیگری هم که منظومه «یوسف و زلیخا» نوشته‌اند، چیزهایی شبیه به همین آورده‌اند که قدیمی‌ترین نمونه‌اش قاضی ضریحی است که در قرن ۷ یک «قصه یوسف» به زبان ترکی گفته بود. اما نکته در اینجاست که حتی در این روایت‌های نزدیک به سریال هم یوسف زن دیگری جز زلیخا ندارد. این روایت‌هایی که گفتیم نشان می‌دهد احتمالا روایت آقای سلحشور اولین روایتی است که در آن یوسف پیامبر ۲ بار ازدواج می‌کند.

بعضی از دلایل پر بیننده شدن

سریال یوسف پیامبر^(ع)

این یوسف ثانی است، این؟

احسان ناظم بکایی

بیشتر از ۹۰ درصد بیننده؛ این برای یک سریال تلویزیونی از فوق‌العاده هم آن طرف‌تر است. سریال «یوسف پیامبر»^(ع) ماه‌هاست پر بیننده‌ترین و البته پرسر و صداترین سریال تلویزیون است و این قضیه به قدری جدی بود که در تمام ایام خاص مثل رمضان و نوروز، تنها سریالی بود که زمان پخشش تکان نمی‌خورد. سریال ۴۶ قسمتی یوسف پیامبر^(ع) که این روزها به قسمت ۴۰ رسیده، فارغ از همه انتقادهایی که چه در پرونده «یوسف گم‌گشته» و رویداد در هفته به آن داشته‌ایم، سریالی است که دیده می‌شود و مردم هم پیگیر آن هستند. اصلا انتقادهای ما هم گواه این ماجراست. به چیزی که دیده نشود انتقاد نمی‌کنند اصلا! اما یوزار سیف به چه دلایلی جذاب شده است؟ بعضی از دلایلی را که به نظرمان موثر بود، ردیف کرده‌ایم:

قصه جذاب

قصه‌های قرآنی ذاتا جذابند، چه برسد به یوسف که احسن القصص است. علاوه بر داستان عاشقانه سریال، دغدغه‌های شخصیت‌ها با وجود تاریخی بودن، کاملا امروزی است و یک جورهایی چیزهایی است که همه با آن درگیر هستیم؛ حسادت (ماجرای برادران یوسف و حسادتشان به او و انداختنش در چاه)، کینه (یهودا هنوز که هنوز است از یوسف متنفر است)، فراق (دوری یعقوب از یوسف و زلیخا از یوسف)، عشق (یوسف و زلیخا دیگر)، خیانت (زلیخا و پوتیفار) و ...

رنگ و لعاب

یادتان هست اوایل سریال که در فدان، محل تولد یوسف و دوران کودکی او می‌گذشت، چندان گیرا نبود چون خانه‌ها گلی و درب و داغان و لباس‌ها هم پاره و پوره بودند. سریال در حقیقت وقتی پای یوسف به مصر و کاخ زلیخا باز شد، دیده شد. دکورهای عظیم و رنگ‌های متنوع کاخ‌ها، از زمین سبزه‌رنگ تا دیوارهای نقاشی شده و حتی لباس‌های مصری واقعا خوب طراحی شده و چشمگیر هستند؛ ضمن اینکه فیلم‌برداری به سبک سینمایی ۳۵ میلی‌متری خیلی به عظمت کار کمک کرد. کافی است آن را با «شیخ بهایی» یا «معصومیت از دست رفته» که ویدئویی ضبط شده بودند، مقایسه کنید تا کیفیت کار دستتان بیاید.

قصه سرراست

داستان سریال خیلی سرراست و یک خطی جلو می‌آید، خبری از فلاش‌بک و فلاش‌فورورد در آن نیست. سلحشور با همه انتقادهایی که به او می‌شد که چرا سریال را از قصه یوسف و زلیخا شروع نکردی و بعد با فلاش‌بک، کودکی یوسف را روایت نکردی، با شناخت از مخاطب آسان‌گیر تلویزیون، قصه‌اش را مثل قصه‌های قدیمی از ابتدا تا پایان و بدون در دسر روایت می‌کند.

عبور از خطوط قرمز

این سریال آزادی بیشتری برای

